

زمین‌خبرها

فرود اضطراری هواپیمای مشهد - شیراز



حوالی ساعت ۱۲ ظهر دیروز هواپیمای ام دی کاسپین که فرودگاه مشهد را به مقصد شیراز ترک کرده بود، مجبور شد به دلیل مشکل فنی به مبدأ خود باز گردد و به گفته سخنگوی سازمان هواپیمایی، مسافران به‌زودی با هواپیمای جایگزین به سوی مقصد خود حرکت می‌کنند. رضا جعفرزاده سخنگوی سازمان هواپیمایی کشوری در این باره به ایسنا گفت: هواپیمای ام دی کاسپین که حوالی ظهر روز شنبه فرودگاه مشهد را به سمت شیراز ترک کرده بود، مجبور به بازگشت به مبدأ خود و فرود اضطراری شد چرا که خلبان متوجه وجود نقص فنی در هیدرولیک چرخ جلوی هواپیما شده بود. وی افزود: خوشبختانه خلبان موفق شد در لحظات آخر چتر جلوی هواپیما را باز کند. مسافران این پرواز سالم هستند و هیچ مشکلی برای آن‌ها به وجود نیامده است. همچنین فرود اضطراری خلبان کاملا بر اساس قوانین و مقررات معمول انجام شده است.

سرقت مسلحانه گوسفندان با پرایدرز دی

توکلی - دوسارق مسلح احترام در حالی در عملیات هوشمندانه ماموران انتظامی کرمان (بخش شهداد) در کمتر از سه ساعت به چنگ قانون افتادند که سرقت احشام به صورت مسلحانه در منطقه شهداد به پلیس گزارش شد. به گزارش خبرنگار ما، ماموران انتظامی با صدور دستور مسئول انتظامی منطقه، تلاش گسترده ای را برای شناسایی و دستگیری عامل یا عاملان سرقت احشام آغاز کردند تا این که گشت انتظامی در محور شهداد - تکاب به یک دستگاه خودروی پراید مشکوک شد و دستور توقف آن را صادر کرد، این در حالی بود که راننده خودرو بدون توجه به ایست ماموران اقدام به فرار کرد و در ادامه در مواجهه با تعقیب و مراقبت پلیس، سرانجام خودرو متوقف شد و راننده به همراه سرنشینان زن آن دستگیر شدند. بر اساس این گزارش، ماموران انتظامی با توجه به وظیفه قانونی و مأموریتی خود، در بازرسی از داخل خودروی پراید، چهار راس گوسفند، یک قبضه سلاح ساچمه زنی، یک دستگاه شوکر برقی و دو قبضه سلاح سرد بزرگ کشف کردند. فرمانده انتظامی شهرستان کرمان با بیان این که یکی از سارقان سابقه دار است و به علت قتل، سرقت موتور سیکلت و خودرو، نزاع و درگیری زندانی فراری بود، گفت: متهم و همدست اش با سرقت خودرو در شهر کرمان نقشه سرقت احشام را در شهداد طراحی کرده بودند که با اقدام به موقع پلیس دستگیر شدند و به ۹ فقره سرقت دیگر اعتراف کردند. سرهنگ «فداه» با اشاره به تحویل احشام مسروقه به مال باخته افزود: متهمان پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی روانه زندان شدند.

دیوان عالی کشور حکم نجفی را نقض کرد

معمای گلوله حل می شود؟



شعبه ۴۱ دیوان عالی کشور حکم پرونده محمدعلی نجفی را نقض و اعلام کرد، تحقیقات در پرونده ناقص است و باید نظر کارشناسی درباره نحوه شلیک گلوله‌ها گرفته شود. محمدعلی نجفی پیش از این در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه و در قتل عمدی میترا استاد گناهکار شناخته و به قصاص محکوم شده بود. البته اولیای دم مقتول از اجرای حکم گذشت کردند. با این حال پرونده برای رسیدگی نهایی به دیوان عالی کشور ارسال شد. خبرنگار جنایی رکنا از دادگاه کیفری یک استان تهران کسب خبر کرد. قضات شعبه ۴۱ دیوان عالی کشور با توجه به نقص تحقیقات اولیه در پرونده قتل میترا استاد خواستند تا هیئتی از کارشناسان بودیم و من به طور اتفاقی اسلحه سازمانی را از داخل چمدان لباس‌ها به کمد منتقل کرده بودم آن را برداشتم و وارد حمام شدم. من یک بالشت همراه بردم تا میترا در بدورد اسلحه را نبیند ولی وقتی او مرا با اسلحه دید با هم سینه به سینه شدیم. اودستش را روی شانه ام گذاشت و تقاضای بخشش کرد که من به عقب هل دادم و یک تیر شلیک شد. من دستم را به سمت بالا گرفتم و میترا دستم را گرفته بود که تیرهای بعدی شلیک شد. با شلیک آخرین تیر میترا دستم را رها کرد و به سمت عقب رفت و دروان افتاد. در سویم جلسه دادگاه که فیلم بازسازی صحنه جرم نمایش داده شد کارشناس اسلحه شناسی به تشریح دو

تصادف مرگبار مینی بوس و تریلی در گلستان

۱۳ نفر در شعله‌های آتش سوختند

ناشی از خواب‌آلودگی با مینی بوس بر خور در کرد. وی افزود: تعداد مصدومان حادثه زیاد و حال برخی از آن‌ها وخیم است. فرماندار گنبد کاووس هم اعلام کرد: تصادف صبح روز شنبه ۳۰ شهریور در محل سه راهی قره ماخر به سمت اینچه برون بین تریلی حامل سیمان و یک دستگاه مینی بوس رخ داد. او افزود: تریلی در حال حرکت با بار سیمان از سمت گنبد به اینچه برون با مینی بوسی که از مراوه تپه به سمت گنبد کاووس در حرکت بوده است در سه راهی قره ماخر تصادف کرد. به گفته او این مینی بوس حامل ۲۵ نفر مسافر بوده و اکثر سرنشینان خانم هستند و مصدومان برای رسیدگی به بیمارستان‌های تامین اجتماعی و مطهری گنبد کاووس منتقل شدند. این حادثه در کیلومتر ۳۵ جاده گنبد کاووس به اینچه برون استان گلستان رخ داد. در همین حال رئیس کل دادگستری گلستان، دادستان گنبد کاووس را مسئول ویژه رسیدگی به موضوع تصادف مرگبار کردند کرد. همچنین در پی وقوع این تصادف دلخراش با دستور استاندار گلستان، از لحظات اولیه وقوع حادثه، یک تیم فنی و کارشناسی برای بررسی موضوع و تسریع در رسیدگی به وضعیت مصدومان به منطقه اعزام شدند.



بر خور دیک تریلر با مینی بوس در محور کرد ۱۳ کشته و ۱۸ مصدوم داشت. رئیس فوریت‌های پزشکی گلستان گفت: بر اثر برخورد دیک دستگاه تریلر با مینی بوس در محور کرد، ۱۳ نفر کشته و ۱۸ نفر مصدوم شدند. مقسم با اعلام این خبر افزود: ساعت ۷ صبح شنبه یک دستگاه تریلی که از جنوب به سمت شمال در محور اینچه برون (حوالی روستای کرند) در حال حرکت بود با یک دستگاه مینی بوس تصادف کرد. او ادامه داد: در این حادثه مرگبار ۱۳ نفر در شعله‌های آتش سوختند و ۱۸ نفر مصدوم شدند. سرهنگ علی‌عبدی رئیس پلیس راه گلستان نیز گفت: راننده تریلی به دلیل انحراف به چپ

به چشم می‌خورد که نشان می‌دهد شلیک بی‌هدف بوده و بعد از برخورد به نقطه دیگر داسرای جنایی در واکنش به این ادعاها در پاسخ به این سوال که آیا ۹ گلوله شلیک شده است، گفت: این موضوع صحت ندارد. وکیل متهم سعی بر القای برخی مطالب دارد. کارشناس ارشد اسلحه‌گفته‌سه گلوله شلیک شده است که به دیوار و سقف خورد و دو کمانه کرده است اما وکیل برعکس می‌گوید یک کمانه گلوله به کمدویکی هم به دست مقتول خورده که می‌شود پنج گلوله. اگر بخواهیم مکان‌ها را بررسی کنیم باید کمانه‌ها را ضرب در دو کنیم و ضربه به دست‌ها هم حساب شود که می‌شود ۹ و این درست نیست. اکنون سوال این است که با توجه به رضایت خانواده شاکای و رهایی نجفی از قصاص، پیگیری پرونده چه اهمیتی دارد. پاسخ آن است که در صورت تغییر اتهام از قتل عمد به غیر عمد قاضی فقط می‌تواند تا سه سال حبس از جنبه عمدی جرم برای متهم صادر کند در حالی که این مسئله در قتل عمد تا ۱۰ سال است. در پایان آخرین جلسه که سی‌ویکم تیر برگزار شد، قضات وارد شور شدند و با توجه به مدرک‌های موجود در پرونده، شهر دار سابق تهران را به قصاص و زندان محکوم کردند. به این ترتیب باید تحقیقات درباره نحوه شلیک بار دیگر انجام شود و پس از آن محمدعلی نجفی دوباره پای میز محاکمه برود. این در حالی است که نجفی اکنون در زندان به سر می‌برد.

تهدید شرم آور مری‌زن یوگا

مراقب گوشی خود باشید!



چند وقتی بود که گوشی موبایلم کار نمی‌کرد و دچار مشکل شده بود من هم آن را برای تعمیر به یکی از مغازه‌های موبایل فروشی دادم یک هفته بعد از تعمیر گوشی با پیامکی عجیب مواجه شدم... به گزارش رکنا، خانمی می‌گوید: وقتی که دانشجویم بودم با همکلاسیم نامزد و بعد هم با او ازدواج کردم. اوایل شرایط مالی خوبی نداشتیم و مجبور بودیم که هر دو زیاد کار کنیم تا بتوانیم مخارج زندگی مان را تامین کنیم. همسرم بسیار بدبین بود و از همان ابتدا به خاطر این مسئله با او مشکل داشتم او دوست نداشت در هر محلی کار کنم و مدام مرا چک می‌کرد و از همکارانم ایراد می‌گرفت. با وجود این من هم رفتارهای او را تحمل می‌کردم تا این که به آموزش یوگا برای خانم‌ها رو آوردم و در همین زمان نیز اختلاقم با همسرم بیشتر شده بود تا این که دو هفته پیش گوشی موبایلم دچار مشکل شد من آن را برای تعمیر به یکی از مغازه‌های موبایل فروشی دادم تا آن را نیز تعمیر کنند. صاحب مغازه بعد از کمی تامل گفت: تعمیر گوشی شما کار زیادی می‌برد و باید چند روزی در مغازه بماند. چند روز بعد به مغازه رفتم و گوشی موبایلم را گرفتم اما هنوز یک هفته نشده بود که با پیامک عجیبی مواجه شدم. فردی به من

پیامک زد و در آن خواستار برقراری ارتباط با من شد و تهدید کرد اگر به خواسته اش جواب مثبت ندهم عکس‌هایی را که از من به دست آورده، در اینترنت منتشر خواهد کرد. اولش فکر کردم یک دروغ و بلوف است و برایش پیامک زدم که هر کاری می‌خواهد بکند اما وقتی یکی از تصاویر را برای من ارسال کرد و گفت بقیه عکس‌ها هم پیش اوست به او التماس کردم و گفتم که متاهل هستم اما او از حرفش منصرف نشد. الان هم ولوم نمی‌کند و مدام برایم پیامک می‌زند و می‌گوید صبرش تمام شده و می‌خواهد حرفش را عملی کند... از طرفی همسرم بسیار روی من حساس شده و مدام به من شک می‌کند که می‌آدم با کسی ارتباط و دوستی داشته باشم نمی‌دانم با این وضعیت که پیش آمده چه کنم و چطور خودم را از این پیامک نجات دهم؟

آزار و اذیت ۳ دختر جوان در میان شمشادهای بزرگراه

آن مشغول کار هستند. بدین ترتیب تحقیقات روی کارگران بازار میوه و تره بار متمرکز شد. آن‌ها پسر ۲۶ ساله‌ای را شناسایی کردند که مشخصات او با متهم فراری شباهت زیادی داشت. **شناسایی از سوی قربانیان** برای اطمینان از این موضوع، دو شاکای پرونده همراه مأموران به بازار میوه و تره بار رفتند و متهم را شناسایی کردند. بدین ترتیب به دستور بازپرس زمانی، کارگر جوان بازداشت شد. متهم در تحقیقات اولیه منکر آزار و اذیت شد و ادعای عجیبی بر مطرح کرد: بعد از مرگ مادرم مجبور شدم به تهران بیایم و در بازار میوه و تره بار کار کنم. همزمان با آمدن من به بازار پسر جوان دیگری هم به عنوان کارگر در آنجا مشغول کار شد. او شباهت زیادی به من داشته و چند روز قبل هم نمی‌دانم به چه دلیلی تسویه حساب کرد و رفت. من کسی را هدف آزار و اذیت قرار نداده‌ام و تصور می‌کنم همان پسرکی که شباهت زیادی به من دارد، این کار را انجام داده باشد. اما کارآگاهان در ادامه تحقیقات روی بدن متهم آثار چاقویی را که دختر جوان به وی زده بود، مشاهده کردند. بنابراین مشخص شد که اظهارات متهم دروغ بوده است و بازجویی‌ها از وی همچنان ادامه دارد.

دومین شکایت به دنبال اظهارات دختر جوان، به دستور بازپرس شعبه ششم داسرای جنایی تهران، کارآگاهان اداره شانزدهم پلیس آگاهی پایتخت وارد عمل شدند تا پسر شیطان صفت را بازداشت کنند. در حالی که بررسی‌ها در این خصوص ادامه داشت کارآگاهان دریافتند چندی قبل نیز دختر جوانی با شکایتی مشابه به پلیس مراجعه کرده است. وی مدعی شده بود، ساعت ۸:۵۰ صبح روز بزرگراه کردستان توسط مرد جوانی هدف تعرض قرار گرفته است. **چهره‌نگاری** با توجه به این که هر دو حادثه در یک محدوده رخ داده بود، فرضیه سریالی بودن تعرض‌ها قوت گرفت. بدین ترتیب با کمک قربانیان این حادثه، کارآگاهان به چهره‌نگاری از مرد شیطان صفت پرداختند و شک آن‌ها به یقین تبدیل شد. این در حالی بود که بررسی‌ها در دختر ۱۶ ساله‌ای نیز به پلیس مراجعه کرد و از آزار و اذیت پسر جوانی در بزرگراه کردستان شکایت کرد. با نشان دادن تصویر چهره‌نگاری متهم فراری، سویم قربانی پرونده نیز او را شناسایی کرد. در گام بعدی، کارآگاهان دریافتند در همان حوالی بازار میوه و تره باری وجود دارد که کارگران زیادی در

در امتداد تاریکی

راز عجیب!

چشمانم را باز کردم هنوز گیج و منگ بودم نمی‌دانستم مرده‌ام یا زنده هستم. چند لحظه بعد پرستاران را بالای سرم دیدم و تازه فهمیدم که از مرگ نجات یافته‌ام. لحظات ترسناک درگیری پدر و مادرم همانند سکانس‌های یک فیلم از مقابل چشمانم رژه می‌رفت تا این که... دختر ۱۵ ساله که به همراه مادرش وارد کلانتری شده بود تا از هازای عجیبی رافاش کند، در حالی که بیان می‌کرد با جان و دل راضی به طلاق پدر و مادرم از یکدیگر هستیم، درباره ماجرای اقدام به خودکشی اش به کارشناس اجتماعی کلانتری پنجتن مشهد گفت: از روزی که به خاطر دارم پدرم از طریق چاقاق مواد مخدر و بنزین هزینه‌های زندگی ما را تامین می‌کرد.

اوراننده یکی از خودروهای سنگین است و برای انجام امور خلاقش همواره به استان‌های شرقی و جنوب کشور مسافرت می‌کند اما برای آن که ماموران انتظامی به او مشکوک نشوند و بتواند به راحتی به چاقاق بپردازد با زنان خیابانی ارتباط برقرار می‌کند و با آن‌ها به سفر می‌رود. مادرم نیز همیشه در برابر رفتارهای زشت پدرم سکوت می‌کند تا زندگی اش متلاشی نشود و فرزندانش را بزرگ کند.

خلاصه روزگار ما به همین ترتیب سپری می‌شد تا این که من و دو خواهر دیگرم بزرگ‌تر شدیم اما پدرم این زنان خیابانی را رها نکرد و هر بار برخی از آنان را به خانه می‌آورد و به عنوان همکارش در چاقاق مواد مخدر به ما معرفی می‌کرد.

پدرم آن قدر شرم و حیا را کنار گذاشته بود که در برابر چشمان من و خواهرانم با آن زنان غریبه روابط نامشروع داشت چرا که در خانه ما اتاق مجزایی وجود نداشت و همه اعضای خانواده در یک پذیرایی زندگی می‌کردیم.

مادرم با دیدن این صحنه‌های رقت‌بار اشک می‌ریخت و سعی می‌کرد حواس ما را به موضوعات دیگری بکشاند تا شاهد کارهای زشت پدرم نباشیم. اما من و خواهرانم به سن نوجوانی رسیدیم و بدیم و کاملاً معنی اشک‌های مادرم را می‌فهمیدیم در این میان پدرم وقتی با اعتراض ما روبه‌رو می‌شد همه ما را کتک می‌زد تا جایی که از شدت درداز اعتراض مان پشیمان می‌شدیم.

حدود شش ماه قبل بود که وقتی پدرم یکی از همین زنان غریبه را به خانه آورد مادرم به او اعتراض کرد که حداقل در برابر چشمان زده‌ها و خانم بیرون انداخت. مادرم نیز به مدت سه‌ماهه قهر کرد و به خانه مادر بزرگم رفت. در این میان پدرم از فرصت استفاده کرد و به رفتارهای زشت اش ادامه داد.

من که از خواهرانم دیگرم بزرگ‌تر بودم با دیدن زنان خیابانی با وضعیت زننده در کنار پدرم زجر می‌کشیدم و با رفتارهایم به پدرم اعتراض می‌کردم ولی او هر بار به سمت من و خواهرانم هجوم می‌آورد و ما را زیر مشت و لگدمی‌گرفت تا حدی که یکی از خواهرانم دچار اختلالات روان

پزشکی و توهم و هذیان شد. او گاهی از ترس جیغ می‌کشد و حرف‌های بی‌ربط می‌زند. خواهر کوچک‌تر من نیز هر شب با دیدن کابوس‌های وحشتناک با جیغ و فریاد از خواب می‌پرد و من هم به خاطر لگدهای پدرم از ناحیه کمر آسیب دیدم.

با وجود این، نبود مادرم در خانه، زندگی ما را سخت و دآور کرده بود چرا که پدرم هیچ مسئولیتی را در قبال زندگی خانواده اش نداشت به همین دلیل بعد از گذشت سه ماه، با مادرم تماس گرفتم و با التماس و گریه‌ها از خواستم به خانه بازگردم.

مادرم که نمی‌توانست شاهد اشک‌های من باشد چند روز بعد با پدرم آشتی کرد و به خاطر من و خواهرانم به خانه اش بازگشت ولی متأسفانه نه تنها رفتارهای زشت پدرم خاتمه نیافت بلکه زنان بیشتری را به خانه می‌آورد تا این که هفته قبل وقتی با یک زن غریبه وارد خانه و با اعتراض مادرم مواجه شد، به اندازه‌ای خشمم عصبانیت در وجودش موج زد که با لگدمادرم را از پله‌های منزل به پایین انداخت و مقابل چشمان همسایه او را کتک زد و سپس به همراه آن زن خیابانی سوار خودرو شد و رفت.

من که از دیدن این صحنه به شدت ناراحت شده بودم کنترل‌م را از دست دادم و با یک تصمیم احمقانه تعدادی قرص خوردم تا خودکشی کنم اما مادرم و همسایگان مرا به بیمارستان رساندند و از مرگ نجات یافتیم. روز بعد که از بیمارستان مرخص شدم به همراه مادرم و خواهرانم به خانه مادرم بزرگ‌تر رفتیم و مادرم دادخواست طلاق به دادگاه داد. حالا هم من راضی به طلاق آن‌ها هستم چرا که... در خور ذکر است، به دستور سرگرد محمدولیان (رئیس کلانتری پنجتن) اظهارات این دختر مورد پیگیری‌های پلیسی و قضایی قرار گرفت. **ماجرا واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی**